

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیلی از وضعیت کتاب های خارجی در ایران

قسمت اول:

مباحث مربوط به کپی رایت بین المللی و دلایل موافقان و مخالفان پیوستن به کنوانسیون برن مورد توجه جامعه نشر ما بوده و هست ، اکنون ببینیم جامعه نشر با وضع موجود، در حالت عدم وجود کپی رایت آثار خارجی چه وضعیتی دارد:

پیش فرض ما این است که قانون رسمی و جاری در کشور ما ، حقوق مادی آثار منتشر شده در خارج ایران را مورد حمایت قرار نداده و این درحالی است که حقوق معنوی یا اخلاقی اعم از حق سرپرستی و حق تمامیت اثر (داخلی یا خارجی) را به رسمیت شناخته است.

در وضع موجود، وضعیت کتابهای خارجی را در ایران باید از چند جهت مورد بررسی قرار داد:

الف: ترجمه و انتشار کتاب های خارجی به زبان فارسی در ایران

ب: بازچاپ کتاب های خارجی به زبان اصلی در ایران

ج: فروش کتاب های خارجی (اورجینال) در ایران

ابتدا بند (الف) با عنوان ترجمه و انتشار کتاب های خارجی به زبان فارسی در ایران:

حجم زیادی از محتوای کتابهای خارجی اعم از حوزه دانشگاهی، عمومی و کودک بصورت ترجمه فارسی توسط ناشران داخلی منتشر می گردد. جدای از تعداد اندکی از ناشران که کپی رایت کتاب ها را رعایت می کنند، اکثر قریب به اتفاق این نوع کتابها بدون اطلاع ناشر خارجی در ایران ترجمه و منتشر می گردند.

در این خصوص چند مخاطره وجود دارد:

۱- مترجم و ناشر ایرانی از وضعیت ویراست جدید کتاب خارجی که در دست انجام است بخصوص در حوزه علم و فناوری مطلع نگشته و بعد از صرف زحمات و هزینه های زیاد، از وجود آن مطلع می

گردند که بیشتر اوقات، همان ویراست قبلی به بازار عرضه شده و این به معنای ارائه اطلاعات قدیمی به جامعه علمی کشور است.

۲- مترجمان متعدد بدون اطلاع از یکدیگر اقدام به ترجمه آثار خارجی کرده و بعد از صرف زمان زیاد و زحمات فراوان در حین کار یا در زمان انتشار متوجه اقدام همکاران خود شده و طبعاً از اقبال کتاب در نشر کاسته می شود.

۳- اثر ترجمه ای که منتشر گردیده و مورد استقبال بازار نیز قرار گرفته، با تلقی اینکه اصل کتاب مورد حمایت نیست، مترجمان متعدد که گاهی فقط اسم مترجم دارند و احیاناً متون ترجمه سابق را مورد تعرض قرار داده و به نام خود منتشر می سازند، آثار مشابهی را وارد بازار می کنند.

۴- بعضی از آثار ترجمه ای در داخل کشور به نام تألیف یا تألیف ترجمه منتشر می گردند که این نقض حقوق معنوی پدیدآورنده خارجی است.

۵- ترجمه های ضعیف و نارسا و احیاناً اشتباه که نه تنها به هیچ وجه منظور پدیدآورنده را منتقل نساخته بلکه بر خلاف نظر پدیدآورنده است، توسط هیچ مرجعی کنترل نمی گردد.

۶- حذف یا تغییر محتوا و احیاناً نام پدیدآورنده بدون اجازه وی ، حتی به دستور اداره کتاب وزارت ارشاد و انتشار آن، بر خلاف قوانین داخلی ایران است. متأسفانه در این خصوص، موارد زیادی را در بازار کتاب می توان مشاهده کرد.

۷- استفاده از کتابهای خارجی در حوزه کتاب کودک اعم از موضوع داستان، متن و تصاویر آماده ، علاوه بر تهاجم فرهنگی، ما را از خلاقیت و انتشار آثار داخلی باز داشته و انگیزه را برای مراجعه به نویسندگان و تصویرگران داخلی از بین برده است.

لازم است برای رفع موارد هفتگانه فوق، هریک از آنها را مورد تحلیل قرار دهیم:

۱- مترجم و ناشر ایرانی از وضعیت ویراست جدید کتاب خارجی که در دست انجام است بخصوص در حوزه علم و فناوری مطلع نگشته و بعد از صرف زحمات و هزینه های زیاد، از وجود آن مطلع می گردند که بیشتر اوقات، همان ویراست قبلی به بازار عرضه شده و این به معنای ارائه اطلاعات قدیمی به جامعه علمی کشور است.

آنچه برای مدیریت جامعه علمی کشور دارای اهمیت می باشد این است که دسترسی به علوم روز دنیا در داخل کشور میسر باشد. شاید مورد اول فقط در حوزه کتابهای دانشگاهی قابل تأمل باشد و لیکن در این حوزه بسیار با اهمیت است.

سؤال این است که باوجود وضعیت عدم کپی رایت بین المللی، چگونه می توان این نقص را برطرف کرد؟

آیا قانون داخلی برای رفع این معضل، راهکاری دارد؟ اگر قانون ساکت است یا حتی موجب این نقص می باشد، آیا راهکار صنفی برای آن وجود دارد؟

پاسخ آن است که بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، حقوق مادی اثری که برای نخستین بار در خارج ایران منتشر شده قابل حمایت نیست و به همین دلیل نمی توان از ترجمه آن اثر خارجی نیز حمایت کرد.

قانونگذار برای رفع ابهام در منشأ ایجاد حق ترجمه اقدام به تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در سال ۱۳۵۲ کرد و در حقیقت، منشأ ایجاد حق ترجمه را خود ترجمه تعیین کرد.

چرا؟ چون ماده ۲۲ قانون حمایت در سال ۴۸، کتاب اصلی خارجی را مورد حمایت قرار نداده و در واقع حقوق آن را جزو حقوق عمومی قرار داده است. حقوقی که ممکن است توسط هر مترجمی به انحصار درآید.

کتابهای خارجی به زبان اصلی را می توان بسان ماهیان دریا و اقیانوس تشبیه کرد که در حقوق داخلی ما برای آنها مالکیتی (حقوق انحصاری مادی) به رسمیت شناخته نشده و لیکن صیادانی که با تلاش خود آنها را صید می کنند، دارای مالکیت می گردند. این صیادان در حوزه کتاب، مترجمانی هستند که با تلاش خود، آثار خارجی را به زبان فارسی ترجمه کرده و صاحب حق ترجمه می شوند.

توجه کنیم که مترجم فقط مالک متن ترجمه ای خودش هست و کسی حق ندارد آن متن که با علم و ذوق مترجم به فارسی برگردانده شده را بدون اجازه او منتشر سازد اما این ترجمه نمی تواند ترجمه انحصاری از آن اثر خارجی باشد بلکه دیگران نیز می توانند با علم و ذوق خود اقدام به ترجمه نمایند.

پس معلوم می گردد که وضعیت موجود ترجمه در ایران محصول الزامات و تسهیلات قانونی است و امکان ایجاد انحصار وجود ندارد.

آیا تدابیر صنفی هم عاجز از رفع اشکال موجود است؟ آیا راهکار صنفی برای دسترسی به آثار به روز خارجی وجود دارد؟

اینکه قانون داخلی حمایت نمی کند، درست، اما آیا مراوده و همکاری حرفه ای نشر بین ناشر داخلی و خارجی ممنوع است؟ آیا این رابطه دارای مزیت های اقتصادی نیست؟

به نظرم ناشران حرفه ای ما کمتر به این موضوعات توجه داشته اند وگرنه کشور آمریکا بیش از صد سال عضو کنوانسیون برن بوده و مراودات حرفه ای نشر بین ناشران بزرگ آمریکایی و اروپایی در جریان بوده است.

رعایت کردن و پرداخت حقوق معمول بازچاپ یا ترجمه اثر خارجی در شرایطی که ناشر خارجی می داند که الزام قانونی برای ناشر داخلی نیست، دارای جنبه های زیر است:

۱- پرداخت حقوق ناشر خارجی حتی در شرایط پیوستن به کپی رایت تأثیری بیش از افزایش ۱۰ درصد به قیمت کتاب ندارد.

۲- در شرایط عدم کپی رایت، طرف خارجی خود می داند که امکان سخت گیری و تحمیل شرایط ویژه خود را نخواهد داشت.

۳- در نزد ناشر خارجی، رعایت اختیاری کپی رایت از طرف ناشر داخلی بسیار تحسین برانگیز است و در بسیاری از موارد، اجازه انتشار بدون دریافت وجه را داده اند.

۴- ناشر داخلی ای که در شرایط امروز با ناشر خارجی قرارداد می بندد، ادامه همکاری در شرایط آینده که ممکن است به کپی رایت بپیونددیم، را تضمین می کند.

۵- با وجود رابطه حقوقی با ناشر خارجی، این امکان فراهم است تا حتی قبل از انتشار ویراست جدید، ناشر داخلی به متن جدید، دسترسی داشته باشد و زودتر از رقبا، کتاب به روز شده را منتشر سازد.

۶- جدای از مسائل صنفی، جامعه علمی به جدیدترین و به روزترین اطلاعات علمی دسترسی خواهد داشت.

۷- ناشران خارجی با ناشران فعال داخلی و وضعیت بازار نشر کتاب در ایران آشنا می شوند و تصویری که توسط عده ای برای آنها ترسیم شده، اصلاح می گردد.

۲- مترجمان متعدد بدون اطلاع از یکدیگر اقدام به ترجمه آثار خارجی کرده و بعد از صرف زمان زیاد و زحمات فراوان در حین کار یا در زمان انتشار متوجه اقدام همکاران خود شده و طبعاً از اقبال کتاب در نشر کاسته می شود.

در این خصوص، دو حالت ممکن است اتفاق بیافتد:

یکی آنکه دو یا چند مترجم بدون اطلاع یکدیگر، کتاب خارجی را ترجمه کرده که البته ممکن است به دلیل عجله در روانه کردن به بازار، دارای اشکالات مفهومی و ویرایشی هم بشوند. طبیعی است که ناشر و سرمایه گذار مایل است که نسخه دیگری از این کتاب در بازار نباشد و شرایط مالی وی برای مترجم در این حالت، بهتر است.

در این شرایط، چنانچه مترجم های دیگر و احياناً ناشران دیگر که سفارش ترجمه اثر را به مترجم داده اند، می دانستند که زودتر از آنها، کتاب مورد نظر ترجمه و آماده انتشار شده است، اقدامی انجام نمی دادند و توان و سرمایه خود را صرف آن نمی کردند.

حالت دوم آن است که مترجم و ناشر دوم یا چندم با علم و آگاهی از ترجمه اثر خارجی، چه در دست انتشار و چه منتشر شده، اقدام به ترجمه و انتشار آن اثر می کند.

در این حالت ممکن است دو هدف دنبال شود، بعضی مترجمان با هدف ارائه ترجمه بهتر هستند و معتقدند که ترجمه یا ترجمه های قبلی دارای اشکالاتی است و ناشر را برای انتشار آن توجیه می کنند، که البته این فرایند ممکن است توسط ناشر هم صورت گیرد.

هدف دوم که بیشتر توسط ناشران دنبال می گردد آن است که ترجمه کتابهای خارجی پرفروش را به مترجم سفارش می دهند و البته گاهی مترجمان چنین فرایندی را نیز طی می کنند.

هدف اول می تواند قابل توجیه باشد و ممکن است بتوانیم نقش رقابت را در ارائه اثری بهتر شاهد باشیم لیکن در هدف دوم چنین نیست.

اهمیت هدف اول برای بعضی از دوستان در این گروه چنان بوده است که اصلاً امکان ارائه ترجمه های متعدد و رقابتی را از جمله دلایل مثبت برای عدم الحاق به کپی رایت دانسته اند و معتقدند در صورت الحاق، خواننده و مصرف کننده مجبور است فقط همان نسخه ترجمه شده با اجازه ناشر اصلی را بخواند اما در وضع موجود، این امکان وجود دارد تا بهترین ترجمه انتخاب گردد.

از محاسن هدف اول که بگذریم، باید به معایب و مخاطرات هدف دوم بپردازیم که البته مرتبط با نقطه ضعف سوم است.

۳- اثر ترجمه ای که منتشر گردیده و مورد استقبال بازار نیز قرار گرفته، با تلقی اینکه اصل کتاب مورد حمایت نیست، مترجمان متعدد که گاهی فقط اسم مترجم دارند و احیاناً متون ترجمه سابق را مورد تعرض قرار داده و به نام خود منتشر می سازند، آثار مشابهی را وارد بازار می کنند.

چنانکه عرض شد، هدف دوم برای ترجمه و انتشار آثاری که قبلاً ترجمه و منتشر شده اند، همان نقطه ضعف سوم مورد بحث ماست.

اقدام ناشر یا مترجمی که فقط با انگیزه کسب منفعت از انتشار اثر ترجمه ای منتشر شده صورت می گیرد از چند جهت قابل بررسی و واکاوی است:

- ۱- انگیزه کسب منفعت با تقلید و به قیمت ضرر به دیگران، خلاف اخلاق است.
- ۲- انتشار نسخه جدید یک اثر ترجمه ای و ارائه تخفیفات ویژه باعث خرابی بازار آن کتاب گردیده و تلاقی منافع دو یا چند ناشر آن باعث کسب منفعت کمتر خواهد شد.
- ۳- در هدف دوم، ترجمه دقیق تر و روان تر جایی ندارد بلکه مترجم باید در فرصتی اندک، متنی ترجمه شده با هر کیفیت تحویل ناشر دهد و این باعث تنزیل امر ترجمه خواهد شد.
- ۴- سرقت های ادبی و کپی کردن های بی رویه از آثار ترجمه شده دیگران و تغییرات جزئی برای خلاصی از شکایت صاحب ترجمه اصلی، نتیجه این هدف دوم است.
- ۵- متأسفیم که بعضی از ناشران اقدام به انتشار ترجمه هایی می کنند که مترجم واقعی برای آنها وجود ندارد و این در طی دادرسی و شکایت مشخص می شود.
- ۴- بعضی از آثار ترجمه ای در داخل کشور به نام تألیف یا تألیف ترجمه منتشر می گردند که این نقض حقوق معنوی پدیدآورنده خارجی است.

مستحضرید که اثر ترجمه ای از جمله آثار اشتقاقی یا تبدیلی است و منشأ حق آن، به تبع تألیف می باشد. حال، اگرچه منشأ اصلی حقوق مادی کتابی که برای نخستین بار در خارج ایران منتشر شده، آزاد است و لیکن حقوق معنوی آن بطور کامل باید رعایت گردد.

قانونگذار در ابتدای ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، با دقت و ظرافت، فقط به حقوق مادی اشاره کرده و متوجه بوده است که حقوق معنوی دارای دو ویژگی مهم است، یکی دائمی بودن و دیگری غیر قابل واگذاری بودن.

حقوق معنوی شناخته شده در نظام حقوقی ما و البته کنوانسیون برن، شامل دو حق است، یکی حق سرپرستی یا احترام به صاحب اثر و دیگری حق تمامیت یا احترام به اثر.

حق سرپرستی آن است که کسی حق ندارد نام و سمت نویسنده را تغییر دهد و حق تمامیت نیز آن است که کسی حق ندارد بدون اجازه پدیدآورنده، محتوای کتاب را عوض کند.

خوب، معلوم شد که کتاب خارجی اگرچه حقوق مادی آن تحت حمایت قوانین داخلی نیست اما رعایت حقوق معنوی آن بدون تردید واجب الرعایه است.

مترجمان، ناشران و دستگاه های اداری باید به این مهم و الزام قانونی توجه داشته و مراعات کنند.

سوای از تخلف حقوقی و عمل مجرمانه، انتشار آثار ترجمه ای با عنوان تألیف می تواند امنیت و قداست جامعه علمی را خدشه دار کرده و جامعه علمی را نسبت به آثار علمی، بی اعتماد سازد.

در حالت عدم عضویت در کپی رایت و عدم ارتباط و کنترل پدیدآورنده یا ناشر کتاب اصلی، نیازمند مرکزی هستیم تا بر روند صحیح مراعات حقوق معنوی کتابهای خارجی نظارت داشته و با متخلفان برخورد اداری یا صنفی نماید.

۵- ترجمه های ضعیف و نارسا و احياناً اشتباه که نه تنها به هیچ وجه منظور پدیدآورنده را منتقل نساخته بلکه بر خلاف نظر پدیدآورنده است، توسط هیچ مرجعی کنترل نمی گردد.

شاید بتوان ادعا کرد که هیچ ترجمه ای قادر به انتقال مفاهیم و احساس پدیدآورنده بطور کامل و صد در صدی نیست اما ترجمه هایی که بیش از نود در صد مقصود و غرض پدیدآورنده را منتقل سازند، کم نیستند.

ترجمه های دقیق حاصل تلاش مترجمانی است که علاوه بر تسلط کافی بر زبانهای مبدأ و مقصد، به موضوع اثر اصلی نیز تسلط کامل داشته و در کتابهای ادبی، توانسته در حال و هوای پدیدآورنده قرار گیرد.

دقت در ترجمه کتابهای علمی و متون رسمی و قانونی به حدی مهم است که اشتباه در انتقال مفهوم می تواند سرنوشت یا سلامت خواننده را تحت تأثیر قرار دهد.

چنانکه عرض شد تحلیل وضعیت ترجمه آثار خارجی در شرایط موجود (عدم الحاق به کپی رایت) صورت می گیرد و هدف آن است که نواقص و معایب این حوزه را بررسی کنیم و راهکارهایی برای رفع آنها پیشنهاد نماییم.

در وضعیت موجود که حقوق مادی آثار خارجی در ایران قابل حمایت نیست، اجازه برای ترجمه آنها از ناشر اصلی گرفته نمی شود و حتی ناشر اصلی یا پدیدآورنده از انجام ترجمه اثر مطلع نیز نمی گردد. در این حالت که متولی و صاحب اصلی کتاب بر روند فعل و انفعالات بعدی مانند ترجمه، نظارت و کنترلی ندارد در واقع، تمرکز در مدیریت آن از بین رفته و جایگزینی برای آن موجود نمی باشد.

به عبارتی با وجود کپی رایت، همه کسانی که مایلند از اثر اصلی، اثر اشتقاقی دیگری را پدید آورند مانند ترجمه یا تلخیص یا فیلمنامه و ... حتماً باید از پدیدآورنده یا ناشر اصلی اجازه داشته باشند که همین امر باعث ایجاد تمرکز در مدیریت آثار اشتقاقی می گردد. در این صورت، علاوه بر آنکه تعدد مترجم بدون اطلاع یکدیگر وجود ندارد، کیفیت ترجمه نیز تحت نظارت مرکز واحد می تواند قرار داشته باشد.

ترجمه اشتباه یا تصرف در مطالب و تغییر متن اصلی، نقض حق تمامیت اثر است که از جمله حقوق معنوی پدیدآورنده محسوب می گردد.

چنانکه قبلاً نیز عرض شد، حقوق معنوی فراتر از مرزها و زمان هاست و این اصل در قوانین داخلی ما هم رعایت شده و صلاحیت سرزمینی مذکور در ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مقید به حقوق مادی است.

بنابر این پدیدآورنده و به تبع وی، ناشر خارجی می تواند نقض حقوق معنوی اثر را بر اساس قوانین داخلی ما پیگیری قضایی نماید.

در شرایط امروز که این تمرکز با محوریت ناشر یا پدیدآورنده وجود ندارد مناسب است که نهادی یا مؤسسه ای متخصص، بر امر ترجمه دقیق کتابهای خارجی نظارت داشته باشد.

۶- حذف یا تغییر محتوا و احیاناً نام پدیدآورنده بدون اجازه وی، حتی به دستور اداره کتاب وزارت ارشاد و انتشار آن، بر خلاف قوانین داخلی ایران است. متأسفانه در این خصوص، موارد زیادی را در بازار کتاب می توان مشاهده کرد.

با ملاحظه ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان متوجه می شویم که حکم اعلامی در این ماده منحصر به حقوق مادی اثر خارجی است:

(حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.)

اتفاقاً حقوق معنوی پدیدآورنده نه تنها محدود نگردیده بلکه طبق نص صریح مواد ۳، ۴، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، فارغ از زمان و مکان مورد حمایت قرار گرفته است:

ماده ۳ - حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

ماده ۴ - حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

ماده ۱۷ - نام و عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند به کار برد.

ماده ۱۸ - انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

ماده ۱۹ - هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

براساس همین مواد، قانونگذار بسیار هوشمندانه و روشمند حقوق معنوی را مورد حمایت قرار داده و فرقی بین آثار داخلی و خارجی قائل نشده است.

بنابراین سوای از اینکه حقوق مادی اثری مورد حمایت هست یا خیر، هیچکس حق ندارد عنوان یا محتوای اثر دیگری را بدون اجازه پدیدآورنده مورد تغییر قرار دهد.

چند نکته:

اول آن که در حوزه حقوق معنوی، اجازه با پدیدآورنده است نه ناشر.

دوم آن که اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صورت عدم موافقت فقط می تواند اجازه انتشار اثر خارجی در ایران را ندهد. بنابراین تغییر عنوان و محتوای اثر خارجی به صرف گرفتن مجوز انتشار از آن وزارتخانه قانونی نخواهد بود.

سوم آن که خارجی بودن پدیدآورنده مانعی برای شکایت و طرح دعوا از سوی وی در دادگستری ایران نیست.

به نظر می رسد برای ساماندهی رعایت حقوق معنوی آثار خارجی در ایران نیازمند دقت و حساسیت بیشتر از جانب اداره کتاب یا نهاد و مؤسسه ای ذیصلاح از طرف آن اداره می باشیم. باوجود چنین تدابیری می توانیم مدعی داشتن نظام کپی راییت داخلی باشیم.

۷- استفاده از کتابهای خارجی در حوزه کتاب کودک اعم از موضوع داستان، متن و تصاویر آماده، علاوه بر تهاجم فرهنگی، ما را از خلاقیت و انتشار آثار داخلی باز داشته و انگیزه را برای مراجعه به نویسندگان و تصویرگران داخلی از بین برده است.

این مخاطره مربوط به حوزه کودک و نوجوان می شود که از چند جهت باید مورد بررسی قرار گیرد:

اول آنکه کتاب های حوزه کودک را باید کتابهای فرهنگ ساز دانست و اهمیت آن را مدنظر داشت. آنچه کودکان در سنین اولیه عمر خود با آن مواجه می شوند تا آخر عمر همراهشان خواهد بود.

فرهنگ بیگانه اگر با جذابیت در قالب کتاب داستان، به کودکان عرضه گردد نباید انتظار داشت که سبک زندگی خود را ایرانی و اسلامی برگزینند.

ترجمه و کپی تصاویر و شخصیت های خارجی و انتشار آنها به هیچ وجه به مصلحت جامعه ما نیست و این تهاجم فرهنگی با مسامحه وزارت ارشاد و تساهل ناشی از عدم کپی راییت شدت گرفته است.

البته کپی راییت و الزمات آن می تواند از شدت تهاجم فرهنگی و گستردگی آن بکاهد ولیکن در وضع موجود، نه تنها منع قانونی برای اعمال کنترل بیشتر بر روی انتشار آثار کودک و نوجوان و فرهنگ عمومی وجود نداشته بلکه ضوابط نشر مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی بر نظارت بیشتر کتابهای کودک تأکید دارد.

تجربه ای که من از کتاب کودک برای فرزندم دارم این است که حدود ۱۰ سال پیش، دخترم کتابی را از غرفه یکی از انتشاراتی های مشهور در نمایشگاه بین المللی تهران خریده بود و چون هنوز مدرسه نمی رفت و خواندن بلد نبود، از من خواست تا برایش بخوانم. من کتاب را در چند دقیقه و رانداز کردم و متوجه شدم که محتوای کتاب اصلاً مناسب فرزندم نیست. پیام کتاب در یک جمله، بی خدایی و پوچ گرایی (نیپیلیسم) بود. ضمن آنکه بسیار تعجب کردم و تأسف خودم از خطای ناشر مشهور و سهل انگاری وزارت ارشاد، خیلی سریع برای تصویر موجود، داستانی ساختم و برایش خواندم.

دوم، وجود ایده، داستان، تصاویر و صفحه پردازی آماده کتابهای خارجی، ناشران را به لحاظ اقتصادی ترغیب می کند تا با اندک هزینه ای برای ترجمه متون داستانی، از کتابهای تألیفی داخلی منصرف شوند. این انصراف به معنای از دست رفتن انگیزه ها و فرصتهای موجود برای نویسندگان، هنرمندان و تصویرگران داخلی است.

سوای از تعهدات ناشر به مسئولیت اجتماعی خود، وظیفه دولت است تا کمک های تشویقی و انگیزشی خود را هدفمند و سخاوتمندانه در اختیار ناشران و پدیدآورندگان آثار خوب داخلی قرار داده و مسئولانه به این مهم بپردازد.

من قبلاً پیرو مقاله جناب آقای دکتر وصفی با عنوان (ممیزی و سلیبیت آن)، مقاله ای با عنوان (ممیزی، ایجابی یا سلبی) نگاشته ام و اعتقاد دارم که برخورد ایجابی دارای اهمیت بیشتر و نتیجه بخشی بهتری نسبت به برخورد سلبی است.

با این مورد هفتم که عرض کردم، بخش اول مباحث در حوزه آثار خارجی در ایران با عنوان ترجمه و مخاطرات آن به پایان رسید و به امید خدا، قسمت دوم و سوم این مباحث را در آینده ادامه خواهیم داد.

ب: بازچاپ کتاب های خارجی به زبان اصلی در ایران

ج: فروش کتاب های خارجی (اورجینال) در ایران

سید عباس حسینی نیک

مدیر مسئول مجلد

دکتری حقوق و پژوهشگر حقوق مالکیت فکری